

# «دفاع از حقوق انسانی؛ راز محبوبیت آیت‌الله منتظری»

چهارشنبه ۲ دی ۱۳۸۸ - ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹

گفت‌وگو ایرج ادیبزاده با مهرداد درویش‌پور

مهرداد درویش‌پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در سوئد می‌گوید درگذشت آیت‌الله منتظری به عریان‌ترین شکل ممکن شکاف بین روحانیت طرفدار حکومت را با روحانیتی که از حکومت بری است آشکار کرد

خبر درگذشت آیت‌الله منتظری، مهم‌ترین روحانی منتقد حکومت و جانشین پیشین آیت‌الله خمینی، صدها هزار نفر را به خیابان‌ها کشاند که در مراسم تشییع جنازه‌ی وی شرکت کردند. در مسیر حرکت، درگیری‌هایی نیز میان تظاهرکنندگان و نیروهای دولتی گزارش شد.

این خبر در رسانه‌های مهم جهان نیز انعکاس گسترده‌ای داشت؛ «لوس‌آنجلس تایمز» حضور انبوه مردم را در این مراسم، ترکیبی از راه‌پیمایی و تظاهرات توصیف کرد.

روزنامه‌ی «فیگارو» چاپ فرانسه، نوشت: «واکنش مردم در ایران به خبر درگذشت آیت‌الله منتظری نشان مردمی بودن وی بود».

«لیبراسیون» با عنوان «آیت‌الله معترضان» به اعتراض‌های وی به کشتار زندانیان سیاسی در زمان آیت‌الله خمینی اشاره کرده که موجب عزل وی از قائم‌مقامی خمینی شد.

دلیل محبوبیت آیت‌الله منتظری چه بود؟ این پرسشی است که با آقای مهرداد درویش‌پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در سوئد در میان گذاشتم:

به راستی آقای منتظری بی‌نظیرترین چهره‌ی روحانی است که در حکومت اسلامی مورد احترام مردم قرار گرفت. در حالی که پس از این تجربه‌ی ۳۰ ساله، شاید به استثنای آیت‌الله طالقانی که در دوران اول انقلاب احترامی نسبی نسبت به ایشان نیز وجود داشت، نظر بسیار منفی‌ای نسبت به روحانیت و آخوند در جامعه وجود دارد.

آقای منتظری محبوب‌ترین چهره‌ی در جامعه‌ی روحانی است که در افکار عمومی نسبت به ایشان با حرمت برخورد می‌شود.

این واکنش یا استقبال جامعه از آیت‌الله منتظری، ناشی از نه موقعیت روحانی ایشان بلکه از کنش سیاسی او در طی این ۳۰ سال است.

یعنی جز دوره‌ی کوتاه اولیه، از زمانی که کشتارهای سال‌های ۶۰ آغاز شد و پس از آن در سال ۶۷، در حالی که آقای خمینی فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را صادر می‌کند، منتظری که قائم‌مقام رهبری و رییس مجلس خبرگان بود، به خاطر انسانیت و عدالت و مخالفت‌اش با سرکوب وحشیانه و قتل عام زندانیان سیاسی، از جانشینی و نقش رهبری آینده صرفاً نظر می‌کند.

هر قدمی که جلوتر می‌آییم، نقش آقای منتظری و احترام به ایشان بیشتر می‌شود. به ویژه در چند سال اخیر، آیت‌الله منتظری در برخورد با مسائل اسلامی و فقهی، توجه به وضعیت زنان به طور نسبی، مخالفت با ولایت فقیه، توجه به رأی مردم و حقوق بشر و مخالفت با دولت کودتا تا آنجا پیش می‌رود که حتی مخالفت با جمهوری اسلامی را نیز حق جامعه می‌داند.

ایشان در آخرین موضع‌گیری‌ها نه فقط در برابر دولت کودتا و شخص خامنه‌ای می‌ایستد، بلکه حتی در ماجرای پاره شدن عکس آقای خمینی که دولت کودتا سعی می‌کند از آن مستمسکی برای سرکوب مردم بسازد و حتی اصلاح‌طلبان سعی می‌کنند با عکس خمینی به مقابله با کودتاگران بروند، رسماً و علناً ابراز می‌کند که آقای خمینی معصوم نبوده است و در واقع هم‌چنان به بت‌شکنی خود ادامه می‌دهد.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز در پیام تسلیتی به مناسبت درگذشت آیت‌الله منتظری، به طور آشکار به مخالفت‌های او با برخی روش‌های آیت‌الله خمینی و هم‌چنین شیوه‌ی حکومت روحانیون در ایران اشاره کرده و بعد هم نزد خدا شفاعت آیت‌الله منتظری را خواسته بود. واکنش مخالفان و معترضین و تظاهر کنندگان مراسم دیروز قم به پیام رهبر جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در پیام آقای خامنه‌ای علناً موضع‌گیری علیه آیت‌الله منتظری نهفته بود؛ یعنی ایشان تنها کسی است که رسماً آن‌چه را که جامعه نشان‌دهنده‌ی اعتبار آقای منتظری می‌داند، خطا می‌نامد.

آقای خامنه‌ای از ایستادگی آیت‌الله منتظری در برابر آقای خمینی در برابر فرمان قتل عام ایشان یعنی مهم‌ترین ایستادگی‌اش در برابر استبداد که خاطر‌ه‌ی آن به‌ویژه در میان زندانیان سیاسی برجای مانده است، به عنوان خطا نام می‌برد و برای او طلب شفاعت می‌کند، یعنی علناً مظاهر آزادگی آقای منتظری را نوعی انحراف می‌شمارد.

روشن است که جامعه‌ای که آیت‌الله منتظری را به عنوان سمبل آزادی‌خواهی در میان جامعه‌ی روحانیت می‌شناسد، چنین پیام تسلیتی را پیام تسلیت استبدادگرانی می‌داند که مزورانه چون نمی‌توانند

به زبان دیگری سخن بگویند، به ناگزیر تسلیت می‌گویند. بنابراین این مردم به نظر من به درستی هنگام قرائت پیام آقای خامنه‌ای در مراسم خاکسپاری آیت‌الله منتظری، هو می‌کنند و با شعار «مرگ بر دیکتاتور» پاسخ می‌دهند.

برخی مفسران روی‌داد‌های ایران اظهار نظر کردند که درگذشت آیت‌الله منتظری، فقدان بزرگی برای مخالفان درون حکومت و رهبران معترضین از جمله میرحسین موسوی و مهدی کروبی است. به نظر شما، آیا مرگ آیت‌الله منتظری با نفوذ گسترده‌ای که داشت، جنبش سبز یا جنبش معترضان ایران را تضعیف می‌کند یا تقویت؟

تاثیرات این امر دوگانه است و اندکی پیچیده. طبیعتاً با توجه به نفوذ مذهبی آیت‌الله منتظری، مرگ ایشان این تاثیر منفی را دارد که یکی از چهره‌های روحانی که با شجاعت در برابر دولت کودتا ایستاده بود و یکی از یاران این جنبش، درگذشته است و شاید به ویژه نیروی‌های اصلاح‌طلب احساس کنند که قدرت اثرگذاری‌شان در جنبش ضعیف شده است.

در هر حال این که یکی از مهم‌ترین و بانفوذترین مراجع تقلید خواستار تغییر در جامعه درگذشته شاید برای جنبش و حتی رهبران اصلاح‌طلب به نوعی احساس خلاء و کمبود به همراه داشته باشد و برای حکومت اسلامی از این بابت که یکی از اصلی‌ترین چهره‌های مذهبی مخالف از میدان خارج شد نوعی آرامش خاطر ایجاد کند.

اما به گمان من اگر مقداری به جنبه‌های متفاوت مساله نگاه کنیم، درگذشت ایشان در عین حال نیرویی را برای این جامعه آزاد کرده است.

همین که درگذشت آیت‌الله منتظری به یک اعتراض سیاسی گسترده تبدیل می‌شود و به عریان‌ترین شکل ممکن شکاف بین روحانیت طرف‌دار حکومت یا دارای موقعیت در حکومت را با روحانیتی که از حکومت بری است و در برابر آن ایستاده است و همین‌طور کل جامعه‌ی ایران آشکار می‌کند، در درازمدت به نوعی مشروعیت سیاسی جنبش سبز را باز هم برجسته‌تر خواهد کرد.

واکنش گسترده به درگذشت آیت‌الله منتظری، شرکت وسیع در مراسم تدفین ایشان و رنگ سیاسی‌ای که مراسم خاکسپاری و یادبودهای ایشان به خود می‌گیرد، کابوسی برای حکومت است.

بها نه برای جنبش آزادی‌خواهی ایران کم نبود اما مرگ ایشان نیز به دست‌آویز و زمینه‌ی دیگری برای باز هم آزادتر شدن نیروی خواستار تغییر در جامعه تبدیل شد.